

()

:

:

:



()



سودآورتر شدن شرکت ملی نفت و بی‌ثباتی در درآمدهای سهم دولت، افزایش سهم خالص شرکت نفت از ۱ درصد در وضعیت فعلی به ۵ درصد تا ۹ درصد علی‌رغم غیرشفاف بودن زیاد مسأله و متغیر بودن سهم خالص دولت از ۴۷ درصد وضعیت فعلی به ۴۳ درصد تا ۴۷ درصد و نزولی شدن آن در صورت کاهش بهای نفت.

هرچند در روش پیشنهادی غیرشفاف بهره مالکانه در لایحه بودجه سال ۱۳۸۴، برای نفت و گاز به‌عنوان منابع پایان‌پذیر، قیمتی به نام «ارزش ذاتی» تعیین شده است مع‌الوصف «مصرف کردن اصل ثروت» به جای خرج از محل «سود حاصل از بازگشت سرمایه»، همچنان به جای خود باقی مانده است.

متأسفانه هیچ‌گونه مکانیزم و سازوکاری برای خرج از محل سود حاصل از بازگشت سرمایه در تشکیلات نفتی کشور وجود ندارد و همچنان رویه استفاده از «اصل سرمایه» تداوم دارد.

تصور می‌رود برای تحقق این امر، پیش‌بینی سازوکاری مثل تأسیس «صندوق پس‌انداز نفت» (که عملکرد آن تفاوت بسیار زیادی با حساب ذخیره ارزی داشته و با آن به‌کلی متفاوت است) امری اجتناب‌ناپذیر باشد.

چکیده	۲
پیش درآمد	۸
بخش اول - احیای مجدد بهره مالکانه	۱۳
بخش دوم - تعیین نرخ برابری دلار از طریق افزایش به میزان تفاوت تورم داخلی و خارجی	۱۹
بخش سوم - کسری بودجه	۲۳
بخش چهارم - تداوم افزایش شدید اندازه دولت و رشد بالای بودجه شرکت‌های دولتی	۲۷
بخش پنجم - افزایش وابستگی بودجه ۱۳۸۴ به درآمدهای نفتی	۳۴
بخش ششم - تعرض بیشتر در بهره‌برداری از تسهیلات بانکی	۳۷
بخش هفتم - کاهش قدرت خرید کارکنان دولت	۴۰
بخش هشتم - تورم‌زایی لایحه بودجه سال ۱۳۸۴ و پیش‌بینی میزان آن	۴۱



الف) افزایش نرخ برابری دلار از ۸۷۹۰ ریال (نرخ ارز زمان تنظیم بودجه) به ۹۰۹۵ ریال با افزایش حدود ۳/۵ درصد در سال ۱۳۸۴.

براساس محاسبات به عمل آمده، نحوه تعیین این درصد از طریق افزایش به میزان تفاوت تورم داخلی و خارجی به دست آمده است که معمولاً کشورهای OECD مطرح هستند^۱.

باید عنایت داشت که رشد متوسط سالانه تورم در دوره ۱۳۷۶-۱۳۸۳ بالغ بر ۱۵/۶ درصد و رشد متوسط سالانه ارز در بازار آزاد در همان دوره ۹/۱ درصد و حال آنکه رشد متوسط سالانه ارز در همین دوره در نظام بانکی بالاتر از نرخ تورم و نرخ بازار آزاد ارز یعنی ۱۶/۶ درصد بوده است.

نظام ارزی کشور در تعیین نرخ برابری ریال ایران با پول‌های خارجی، هیچ‌گاه به موضوع نرخ واقعی ارز یا اصولاً قدرت خرید ارزها توجهی نداشته و صرفاً ارزش برابری تجاری پول را مورد توجه قرار می‌دهد. به هر حال افزایش نرخ ارز دارای آثار تورمی خواهد بود که در بخش‌های آینده به آن اشاره خواهد شد.

(نرخ ارز واقعی در ایران در سال ۱۳۸۲ معادل ۳۷۹۸ ریال بوده است^۲.)

(رشد حیرت‌انگیز کسری بودجه به میزان ۷۱۰۰۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۴ در

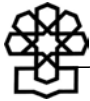
1. OECD: Organization for Economic Co-Operation and Development.

2. نرخ ارز واقعی از رابطه $RER = \frac{P}{P'} \times E$ به دست می‌آید که در آن:

P' = شاخص قیمت مصرف‌کننده در ایران برای سال مورد نظر.

P = شاخص قیمت مصرف‌کننده در کشورهای OECD.

E = نرخ ارز در بازار آزاد.



مقایسه با ۴۲۰۰۰ میلیارد ریال مصوب سال قبل (یعنی ۶۹٪) آن‌هم در شرایطی که رشد متوسط سالانه کسری بودجه در دوره ۱۳۷۶-۱۳۸۳ بالغ بر ۲۶ درصد بوده است.

(افزایش نسبت کسری بودجه به بودجه عمومی دولت از ۸ درصد به ۱۳/۵ درصد در سال ۱۳۸۴.

(احتمال قوی حذف نظریه بهره مالکانه توسط مجلس شورای اسلامی و در نتیجه عدم تحقق درآمدهای مالیاتی ناشی از بهره مالکانه به میزان ۱۸۰۰۰ میلیارد ریال و عدم تحقق ۱۵۰۰۰ میلیارد ریال سود سهام دولت ناشی از حذف مفاد بهره مالکانه.

(احتمال حذف واردات بنزین از محل حساب ذخیره ارزی به میزان ۱/۵ میلیارد دلار و در نتیجه افزایش کسری معادل ۱۴۰۰۰ میلیارد ریال اضافه بر کسری‌های سال ۱۳۸۴.

(عدم تحقق حداقل ۱۰ درصد از درآمد پیش‌بینی شده برای فروش اوراق مشارکت (به لحاظ بالا بودن سود بانک‌های خصوصی (تا ۱۸ درصد و بالاتر) نسبت به سود ۱۷ درصدی اوراق مشارکت) به میزان ۷۰۰ میلیارد ریال.

(در نتیجه بروز کسری بودجه بیش‌تری حدود ۴۷۷۰۰ میلیارد ریال علاوه بر کسری ۷۱۰۰۰ میلیارد ریال لایحه ۱۳۸۴ (جمعاً ۱۱۸۰۰۰ میلیارد ریال) که در مقایسه با کسری ۸۲۰۰۰ میلیارد ریال پیش‌بینی عملکرد سال ۱۳۸۳، این کسری بودجه به جای ۶۹٪ از ۴۴٪ رشد برخوردار خواهد شد.

علی‌رغم احکام برنامه چهارم مبنی بر کاهش نسبت بودجه کل کشور به تولید ناخالص داخلی به میزان سالانه ۲ درصد (جمعاً ۱۰ درصد) تا پایان برنامه چهارم:

- رشد بودجه کل کشور به میزان ۳۰/۵ درصد در مقایسه با سال ۱۳۸۳ (با



احتساب ارزش نفت و گاز خام در مخزن).

- رشد بودجه کل شرکت‌های دولتی با احتساب ارزش نفت و گاز خام به میزان ۵۶/۲ درصد.
- رشد بودجه شرکت‌های دولتی مشمول ۹ قلم کالاهای طرح تثبیت قیمت‌ها (با احتساب ارزش نفت و گاز) به مأخذ ۶۴/۹ درصد.
- رشد بودجه کل کشور در سال ۱۳۸۴ نسبت به سال ۱۳۸۳ (بدون احتساب بند «ر» تبصره «۱۱» معادل ۱۵/۴٪).
- در عین حال رشد بودجه کل شرکت‌های دولتی بدون احتساب نفت و گاز به مأخذ ۲۴/۴ درصد.
- رشد بودجه شرکت‌های دولتی مشمول ثبات قیمت‌ها (بدون احتساب نفت و گاز) ۱۱ درصد در مقایسه با سال قبل.
نتیجه آن‌که:
- عدم کاهش ۸/۳ درصدی عدم‌النفع^۱ مورد ادعای منتقدان طرح ثبات قیمت‌ها به‌علاوه رشد ۱۱ درصد آن‌ها به معنای رشد بودجه شرکت‌های دولتی مشمول ۹ قلم کالای تثبیت قیمت به‌مأخذ (۸/۳٪+۱۱٪) یعنی ۱۹/۳ درصد رشد می‌باشد.
- افزایش سهم بودجه شرکت‌های دولتی نسبت به بودجه کل کشور از ۵۸/۱ درصد در سال ۱۳۸۳ به ۶۶/۸ درصد (یعنی ۸/۷ درصد افزایش) در سال ۱۳۸۴.
- کاهش هزینه‌های سرمایه‌ای شرکت‌های دولتی نسبت به حجم بودجه شرکت‌ها از ۳۳/۶ درصد در سال ۱۳۸۳ به ۳۰ درصد در سال ۱۳۸۴.
- متزلزل بودن مالیات‌ها و سود سهام پیش‌بینی شده موضوع بند «ر» تبصره «۱۱» برای واریز به خزانه به شرح زیر:

۱. رجوع کنید به پاسخ کارشناسان به منتقدان طرح مهار تورم، مرکز پژوهش‌ها، دفتر بررسی‌های اقتصادی، سال ۱۳۸۳.



- (پرداخت مالیات به خزانه توسط شرکت‌های مشمول تثبیت قیمت‌ها (که ۹۰ درصد آن متعلق به شرکت نفت است) با (۵/۴ برابر شدن) افزایش نسبت به سال قبل.
- (پرداخت سود سهام دولت با ۷ برابر افزایش در سال ۱۳۸۴ نسبت به سال ۱۳۸۳ (مربوط به احیای مجدد بهره مالکانه).
- (در نتیجه افزایش ۴۰ درصدی درآمدهای مالیاتی کشور را نباید ناشی از تلاش نظام مالیاتی کشور برای استفاده از ظرفیت‌های بالقوه مالیاتی و درحقیقت بزرگ کردن «تور مالیاتی» تلقی کرد، بلکه ۵۰ درصد از ۴۰ درصد آن صرفاً به لحاظ پیشنهاد مفهومی به نام بهره مالکانه توسط تشکیلات نفتی کشور است.
- .
- علی‌رغم حکم بند «ج» ماده (۱) برنامه چهارم، وابستگی بودجه ۱۳۸۴ به درآمدهای نفتی افزایش یافته به‌گونه‌ای که:
- برداشت از حساب ذخیره ارزی از ۴۹۰۰۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۳ به ۷۰۰۰۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۴ با ۴۲ درصد افزایش (ریالی) و به‌صورت دلاری نیز برداشت از حساب ذخیره ارزی از ۵/۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۳ به ۷/۷ میلیارد دلار در لایحه سال ۱۳۸۴ با ۳۱ درصد افزایش روبه‌رو می‌باشد.
- .
- علی‌رغم حکم بند «ب» ماده (۲) و جزء «۱» بند «ج» ماده (۹) برنامه چهارم.
- محاسبات انجام شده مؤید آن است که در دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۱، سپرده‌های دولت در نزد سیستم بانکی در طیفی بین ۱/۱ درصد تا ۴ درصد از کل سپرده‌ها بوده است و حال آن‌که متوسط سالانه استفاده از تسهیلات نظام بانکی تا ۲۰ درصد هم بالغ شده است.



- همچنین در شرایطی که کل سپرده‌های شرکت‌های دولتی، تا پایان شهریور ۱۳۸۴ بالغ بر ۱/۳ درصد کل سپرده‌ها بوده است، اما در لایحه بودجه سال ۱۳۸۴ معادل ۴۲۰۰۰ میلیارد ریال استفاده از تسهیلات بانکی که معادل ۶۰۰ درصد یا ۶ برابر سپرده‌های همین شرکت‌ها است از تسهیلات بانکی استفاده خواهند کرد و به این ترتیب تعرض بهره‌مندی از این سیستم بانکی همچنان تداوم داشته و طرح منطقی کردن سود بانکی را با اشکال مواجه خواهند ساخت.

در چنین شرایطی که استفاده از تسهیلات بانکی بی‌محابا ادامه دارد، نام آن را بودجه‌ای بدون استقراض از سیستم بانکی تلقی می‌کنند.

:

- افزایش کسری بودجه ۴۷۷۰۰ میلیارد ریال (علاوه بر کسر بودجه ۷۱۰۰۰ میلیارد ریالی پیش‌بینی شده) و در نتیجه تورم‌زایی به میزان ۳/۴ درصد به دلایل مشروحه زیر:

(احتمال حذف ۱۸۰۰۰ میلیارد ریال درآمدهای مالیاتی بهره مالکانه.

(احتمال حذف ۱۵۰۰۰ میلیارد ریال درآمد سود سهام دولت از بهره مالکانه.

(احتمال حذف واردات بنزین از محل حساب ذخیره ارزی به میزان ۱/۵ میلیارد دلار (۱۴۰۰۰ میلیارد ریال).

- برداشت یک میلیارد دلار از حساب ذخیره ارزی از مجموع ۷/۷ میلیارد دلار (با احتمال آن‌که بانک مرکزی با استفاده از منابع داخلی خود آن‌را به ریال تبدیل نماید).

- نتیجه احتمال قوی وقوع یک تورم ۳/۴ درصدی (علاوه بر تورم ۱۴/۶ درصدی پیش‌بینی شده) برای سال یا سال‌های بعد.

- ضمن آن‌که آثار افزایش نرخ ارز از ۸۷۹۰ ریال به ۹۰۹۵ ریال (با ۳/۵ درصد افزایش) و آثار آن در افزایش هزینه‌های کالاهای وارداتی و تولید و همچنین



تورم‌زایی برداشت از حساب ذخیره ارزی در نظر گرفته نشده است.

- کاهش قدرت خرید کارکنان ۶ درصد (تورم ۱۴/۶ درصد، افزایش دستمزدها ۸/۵ درصد) به میزان ۴۵۰۰ میلیارد ریال.



بودجه سال ۱۳۸۴ که قرار بود نخستین تیر را از چله کمان خود برای آغاز تحقق اهداف سند چشم‌انداز بیست‌ساله و برنامه پنج‌ساله چهارم پرتاب کند، سرانجام با ارائه لایحه بودجه سال ۱۳۸۴ و مطالعه قالب و محتوی و همچنین بازکاوی عمق و سطح آن، مؤید آن است که پرتاب نخستین تیر از این چله کمان برای تحقق اهداف برنامه چهارم، با دست‌هایی لرزان و گام‌هایی نه چندان استوار آغاز شده است.

به ادعای طراحان بودجه‌ریزی دولتی، این لرزانی و نااستواری را ناشی از تغییرات دو ماده از مجموع متجاوز از ۱۶۰ ماده قانون برنامه چهارم (مواد موسوم به بهره مالکانه و نحوه تعیین قیمت فراورده‌های نفتی) در مجلس هفتم شورای اسلامی قلمداد کرده‌اند. لکن نویسندگان بودجه و همراهان با آن‌ها انرژی بسیار شدیدی را در مورد اصلاح ماده (۳) برنامه (که در نظر داشت از ابتدای سال ۱۳۸۴ به‌صورت تهاجمی و دفعتاً قیمت فراورده‌های نفتی و به‌ویژه حساس‌ترین آن یعنی بنزین را به مأخذ قیمت‌های خلیج فارس تعیین نماید) مصروف نمودند.

این ماده بدون هیچ‌گونه بسترسازی و ایجاد زمینه‌های موردنیاز برای اتخاذ روندهای مستدل و منطقی و توجیه اقتصادی نحوه تعیین قیمت فراورده‌های نفتی، منحصرراً از هماهنگی و هم‌نظری با مجلس ششم، بهره‌برداری نموده و این تصمیم تهاجمی و دفعی را اتخاذ نمودند. در این زمینه ادله و براهین و گزارشات متعددی که به‌صورت فشرده در زمینه عوارض و تبعات منفی و بروز تخریب‌هایی که از وقوع یک



تورم تازنده در ساختارهای اقتصادی و اجتماعی پدید خواهد آمد منتشر گردید^۱ که همگی این مدارک بروز تورم‌های بالای ۲۰ درصد را (با محاسبه یا عدم محاسبه انتظارات تورمی آن) پیش‌بینی کرده بودند. اما این ادعا همواره وجود داشت که در بدبینانه‌ترین حالت، این تورم بیش از ۶ درصد نخواهد بود. اما علی‌رغم این ادعا، سرانجام سکوت طولانی مدت رئیس محترم بانک مرکزی شکسته شد و در یک اظهار نظر رسمی در مجلس شورای اسلامی اعلام کردند که اجرای یک‌باره ماده (۳) برنامه چهارم بالغ بر ۳۴ درصد آثار تورمی دارد. این اظهار نظر صریح جای تقدیر بسیار داشته و حاکی از احساس مسئولیت ایشان به عنوان مجری سیاست‌های پولی کشور می‌باشد.

بحث پیرامون ذکر این نکته کلیدی است که اصلاح ماده (۳) برنامه چهارم (موسوم به طرح ثبات قیمت‌ها یا مهار تورم) که از بروز عوارض و تبعات منفی ماده (۳) قبلی در زمینه‌های ضدتولید، ضد سرمایه‌گذاری، ضد اشتغال، ضد صادرات، تشدید شکاف طبقاتی، افزایش کسری بودجه، رشد بیش‌تر نقدینگی و سرانجام بروز تورم‌های تازنده و ... از چرخش مجدد این سیکل معیوب جلوگیری کرده است. حال اگر به ادعای بودجه‌ریزان و برخی از نویسندگان اقتصادی، طرح ثبات قیمت‌ها، معضلاتی را احتمالاً در تعادل درآمد - هزینه دستگاه‌ها و شرکت‌ها در نهایت بودجه کل کشور ایجاد می‌نماید، قاعدتاً برای برون رفت از این عدم تعادل، به جای

۱. رجوع کنید به:

الف) بررسی آثار سیاست‌های قیمتی بنزین بر اساس حکم ماده (۳) برنامه چهارم (بدون احتساب انتظارات تورمی)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۳.

ب) پیرامون مقوله قیمت بنزین - وزارت بازرگانی، معاونت برنامه‌ریزی، ۱۳۸۰.

ج) اقتصاد ایران از نگاه بانک جهانی، سند ۲۰۰۴.

۲. رجوع کنید به: اظهار نظر ریاست بانک مرکزی در مجلس شورای اسلامی ابرار اقتصادی، مورخ ۱۳۸۳/۱۰/۱۴.

شماره ۱۸۷۳، ص ۳.



انگزنه‌های سیاسی، لاجرم باید راهکارهای مناسب اقتصادی اتخاذ شود. این راهکار برای رفع عدم تعادل درآمد - هزینه، چیزی جز «تجدیدنظر و بازنگری در تخصیص منابع و مهندسی مجدد هزینه‌ها، بازنگری عمیق در طبقه‌بندی اولویت‌ها و ترجیحات» نیست. تا زمانی که تفکر عملکرد پرستی هزینه‌ها وجود داشته باشد، تا زمانی که هزینه‌های بودجه به‌عنوان یک امر محال دست‌زدنی و مقدس پذیری داشته باشند و تا زمانی که نه تنها متجاوز از سه میلیون کارکنان حقوق‌بگیر بودجه کل کشور، بلکه همه مردم این سرزمین شاهد ریخت و پاش‌ها و حیف و میل‌ها و پرداخت‌های خارج از قاعده، هزینه شدن میلیون‌ها دلار مسافرت‌های خارجی غالباً بی‌مورد، سمینارهای بی‌منطق و بسیار پرهزینه، تشریفات و تجمل‌ها، تغییر دکوراسیون‌ها، تعویض زود به زود مدل اتومبیل‌های مدیران و هزینه‌های سرسام‌آوری که تحت عنوان پاداش و توزیع سکه‌های طلا در مقیاس‌های بالا صورت می‌پذیرد، عدم صرفه‌جویی در هزینه‌های فوق‌العاده سنگین انرژی و ترابری و مخابرات، وجود اعتبارات خارج از شمول و استفاده سوء از آن‌ها، ساختمان‌سازی‌های تشریفاتی، وام‌های رانت‌آور و ... صدها مورد دیگر هستند، قاعدتاً هیچ‌امیدی به اصلاح نظام بودجه‌ریزی نخواهد بود. نظام بودجه‌ریزی در کشور، انحصاراً طرف درآمدها را می‌شناسد و تمام تلاش‌ها برای افزایش نرخ درآمدها و اخذ آن از مردم است و انگاری هیچ‌آشنایی با بازنگری در بهینه کردن تخصیص منابع و مدیریت و مهندسی مجدد هزینه‌ها ندارد.

سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، سازمانی که انتظار می‌رود از دانش چگونگی «عبور از بحران» کاملاً آگاه باشد (ادعای عجیب کسانی که طرح ثبات قیمت‌ها را بحران تلقی می‌کنند) پس قاعدتاً این سازمان عظیم اقتصادی ۳۵۰۰ نفری در کل کشور و با



برخورداری از چند ده شوراهای برنامه‌ریزی، کمیته‌ها، ستادها، مجامع و اعضای که همواره خود را در زمره عالی‌ترین سطوح کارشناسی و فوق تخصص تلقی می‌کنند و در تمام طول این سال‌ها خیابان یک طرفه‌ای را برای عبور تصمیمات و نظریات خود در اختیار داشته‌اند، پس چگونه است که با اتخاذ صرفاً یک تصمیم (اصلاح ماده ۳ موسوم به ثبات قیمت‌ها) هیچ نوع راهکاری برای اصلاح نظام بودجه‌ریزی بر مبنای این تصمیم و تدوین بودجه‌ای با حداقل نقش و کم‌ترین عوارض منفی، برای آن‌ها تداعی نمی‌شود.

تصور می‌رود تشکیلات برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی کشور، یعنی تشکیلاتی که یکی از وظایف قطعی او یافتن راهکارهای منطقی برای برون رفت از وضعیت مألوف و عادت همیشگی (یعنی افزایش همیشگی قیمت کالاها و خدمات دولتی) و بهره‌گیری از نکات مثبت طرحی که قرار است این عادت مألوف و همیشگی را به شکل دیگری نگاه کند (یعنی طرح ثبات قیمت‌ها) ساده‌ترین راه را گزینش نموده و هیچ تلاشی برای یافتن راهکارها (یعنی مدیریت مجدد هزینه‌ها و بازنگری در تخصیص منابع) مصروف ننموده و لایحه‌ای را به‌عنوان بودجه سال ۱۳۸۴ با عوارض و تبعات منفی بیش‌تر و عدم انطباق با اهداف کمی برنامه چهارم ارائه نموده‌اند و این تصور را برای ناظران و اهل فن پیش آورده‌اند که به احتمال قوی «نخواستند»، نه این‌که «نتوانند».

بر نمایندگان محترم مجلس هفتم فرض است که عوارض و تبعات منفی چنین لایحه بودجه‌ای را که خنثی کننده رویکردهای مثبت طرح ثبات قیمت‌ها (مهار تورم) خواهد بود، کاهش دهند.

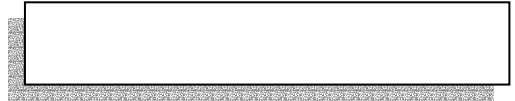
طی فصول و بخش‌های این گزارش بازتاب‌های عارضه‌ساز لایحه بودجه سال ۱۳۸۴ به طور مختصر (به‌منظور مطالعه سریع تصمیم‌گیرندگان) کالبد شکافی خواهد



شد. چگونه امکان این‌که کاهش در حدود ۴ تا ۸ درصد در هزینه‌های جاری شرکت‌های دولتی مشمول ۹ قلم کالاهای طرح ثبات قیمت‌ها یا کاهش در حدود ۹ درصد در سطح کلان هزینه‌های جاری بودجه عمومی دولت وجود ندارد (آن‌هم در شرایط اضطراری)^۱. تفکر عملکردپرستی و وجوه ده‌ها بار هزینه‌های یک نوبتی در بودجه‌های جاری، عدم توجه به طبقه‌بندی مجدد اولویت‌ها و ترجیحات و ارزشیابی فعالیت‌ها از بُعد اثربخشی و ... فقدان روحیه صرفه‌جویی و نظایر آن قطعاً مانع این هدف خواهد بود. پس جای این سؤال باقی است که چرا بودجه سال ۱۳۸۴ بدون الزام به رعایت مصوبه قانونی مجلس شورای اسلامی در زمینه اصلاح ماده (۳) موسوم به طرح ثبات قیمت‌ها تدوین شده است؟

۱. رجوع کنید به:

«بررسی کارشناسان نسبت به نظریات منتقدان طرح مهار تورم»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی،



ماده (۳) لایحه برنامه چهارم در رابطه با بهره مالکانه که در مجلس ششم تصویب و در مجلس هفتم حذف گردید

بهره مالکانه بحث جنجالی برنامه چهارم که در مجلس ششم تصویب و در مجلس هفتم حذف شد به شکل دیگری در لایحه بودجه سال ۱۳۸۴ از زاویه دید دیگری مجدداً احیا گردیده است.

اساس این تفکر باز هم بر مبنای این استدلال است که نفت و گاز روزمره کالاهای خصوصی (و نه کالای عمومی) تلقی می‌شود و لذا هر چه قدر هم که اهمیت استراتژیک داشته باشد لذا در تحلیل نهایی کالای خصوصی تلقی می‌شود و لذا باید با منطق اقتصادی اداره شود و لذا باید سود اقتصادی شرکت نفت حداکثر شود و نباید از طرف دولت برای این شرکت اهداف کمی آمرانه تعیین شود و لذا با پذیرش کالای خصوصی بودن نفت و گاز شرکت نفت ناگزیر خواهد بود که کارایی خود را حداکثر کند و هزینه‌های تولید، فرایندها و هزینه‌های اکتشاف، توسعه و صادرات را حداقل کند که به معنای کارایی و رقابت شرکت خواهد بود.

این البته تحلیل طرفداران نظریه‌های بهره مالکانه است که همچنان اصرار دارند که اثبات نمایند شرکت نفت ایران با رویه فعلی حاکمیت قوانین و مقررات دولتی و آمرانه بودن در نحوه تعیین اهداف کمی از طرف بالا (دولت) و محدودیت‌های فناوری، محدودیت منابع انسانی و فیزیکی و مالی و ... به صورت یک سازمان اداری (و نه یک بنگاه اقتصادی) اداره می‌شود و تا زمانی که به صورت یک سازمان اداری، مدیریت می‌شود، انتظار کارایی از آن بیهوده خواهد بود.



بحث این است که دلایل طرفداران نظریه بهره مالکانه در شرایط فعلی کشور ما، تا حدودی اغراق‌آمیز به نظر می‌رسد زیرا:

۱. به علت وجود تعارض و تداخل در قوانین فعلی نفت و رابطه بین وزارت نفت و شرکت نفت مرز شفاف و روشنی بین وظایف حاکمیتی و تصدی‌گری وجود ندارد، مثلاً در ماده (۴) اساسنامه شرکت ملی نفت ایران مصوب قبل از انقلاب (که هنوز هم معتبر می‌باشد) حق مالکیت دولت بر منابع نفت را بر عهده شرکت ملی نفت ایران گذارده است و طبق همین اساسنامه شرکت ملی نفت ایران دارای اختیارات وسیعی است و حال آن که تبصره «۱۱» حق مالکیت دولت بر منابع نفتی را بر عهده وزارت نفت گذارده است.

به این ترتیب نوعی تداخل وظایف بین وزارت نفت و شرکت ملی نفت ایران پدید آمده است که تصور می‌رود ایجاد یک ساختار مالی پرابهام تحت عنوان بهره‌مالکانه، وضعیت موجود را پیچیده‌تر و مغشوش‌تر می‌نماید زیرا فقدان شفافیت ساختاری و مدیریتی و حاکمیتی، می‌تواند شفافیت مالی را تحت‌الشعاع قرار دهد.

۲. مدیر عامل شرکت نفت (شرکتی که باید دارای وظایف تصدی‌گری باشد) در عین حال به عنوان پست سازمانی معاون وزیر نفت (حاکمیتی) را هم برعهده دارد، چگونه یک فرد وظایف حاکمیتی و تصدی را با هم ایفا می‌نماید و ابهامی هم ایجاد نشود.

۳. این اظهارنظر که بهره مالکانه و سایر احکام حقوقی آن، زمینه‌ساز فضای رقابتی و در نتیجه افزایش انگیزه تولید و ارتقای بهره‌وری خواهد بود، محقق نخواهد گردید. زیرا فضای رقابتی مستلزم وجود نهادهای تولیدی موازی و متعدد است و در شرایطی که شرکت ملی نفت به صورت انحصاری فعالیت می‌کند، فضای رقابتی حاصل نخواهد گردید. چنانچه ۲ یا ۳ شرکت عامل تأسیس گردیده باشند و برای آن‌ها فرصت‌های مساوی و عادلانه در نظر گرفته شود و عملیات نفتی هم بین آن‌ها



براساس منطق اقتصادی تقسیم گردیده باشد، می‌توان وجود فضای رقابتی را شاهد بود، زیرا در این حالت شرکت‌های تولیدی موازی ناگزیرند برای افزایش سود، کلیه قواعد بازی را در بازار به‌کار گیرند، تا سود بالا و در نتیجه ابقای خود را تضمین کنند.

۴. بهره مالکانه چگونه می‌تواند منجر به ارتقای بهره‌وری و ایجاد فضای رقابتی گردد که حتی در جزء ۳ بند «ر» تبصره «۱۱»، سود آن را هم با عبارت سود متعارف، به نوعی تضمین کرده است. ذکر عبارت سود متعارف قطعاً هر نوع عملکردهای منفی و مدیریتی و ریخت‌وپاش‌های بودجه‌ای را لاپوشانی خواهد کرد. همین موضوع (یعنی سود تضمین شده) حکایت کاملی از وجود فضای غیررقابتی دارد.

۵. بهره مالکانه در حقیقت معنای اجازه «رفتارهای خصوصی عمل کردن بنگاه» را به ذهن متبادر کند. برای اثبات این مدعا این موضوع کافی است که توجه شود اعلام هزینه‌ها بدون هیچ‌گونه نظارت بر عملکرد برنامه‌ها برعهده شرکت نفت و اگذار شده است.

۶. در تحلیل نهایی نفت یک کالای استراتژیک سیاسی نه تنها در صحنه داخلی، بلکه فراتر از آن در صحنه بین‌المللی است، هرچند که کالای خصوصی هم تلقی شود کالای خصوصی به معنای نفی دخالت و ورود دولت به آن حیثه نیست.

در وضعیت فعلی براساس متوسط عملکرد ده ساله گذشته شرکت نفت از ۱۰۰ درصد کل ارزش نفت خام، گردش مالی به‌صورت زیر می‌باشد:



()	()	
۵۴	۴۶	سهم طرفین
—	۲۵	کسر می‌شود تفاوت قیمت تمام شده و فروش (ادعای یارانه)
-۷	—	کسر می‌شود یارانه واردات بنزین (قیمت تمام شده و تفاوت با قیمت فروش (حساب ارزی))
—	۱۰/۵	کسر می‌شود هزینه‌های عملیاتی و مالیات و ...
۴۷	۰/۵	سهم خالص نهایی طرفین

مآخذ: گزارش دفتر امور زیربنایی مرکز پژوهش‌ها (اسفند ۱۳۸۲).

۲. وضعیت پیشنهادی تبصره «۱۱» لایحه بودجه ۱۳۸۴: در وضعیت پیشنهادی با تعیین ارزش ذاتی برای نفت خام و فروش آن به شرکت نفت ظاهراً سهم دولت از ۵۴ درصد به ۸۰ تا ۸۵ درصد و سهم شرکت نفت از ۰/۵ به ۵ تا ۹ درصد ارتقا می‌یابند، اما در تحلیل نهایی و در حلقه‌های پایان حسابداری ارقام بهره مالکانه، مالیات بر رانت (حقوق ویژه)، مالیات بر درآمد (عملکرد) و سود سهام، بالغ بر ۳۰ یا ۳۵ درصد یارانه‌های تولید داخلی از سهم ۸۵ درصدی حقوق ویژه و سود سهام دولت کسر گردیده و آن را به ۵۰ یا ۵۵ درصد تنزل می‌دهد. ضمن آن‌که در گام بعدی نیز ۷ درصد یارانه بنزین داخلی را که دولت عملاً به‌صورت ریالی اعتبار آن را در بودجه منظور کرده است در جمع جبری از ۵۰ یا ۵۵ درصد از سهم ناخالص دولت کسر شده و سهم خالص دولت در خزانه به‌صورت ۴۳ یا ۴۷ درصد در خواهد آمد. خلاصه مطالب فوق در حالت پیشنهادی تبصره «۱۱» عبارتند از:



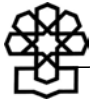
()	()	
۸۵ تا ۸۰	۲۰ تا ۱۵	سهم طرفین براساس ارزش نفت خام مخزن
(۳۰ تا ۳۵)-	—	کسر می‌شود یارانه مربوط به تولید فرآورده‌های داخلی
(۷)-	—	کسر می‌شود اعتبار یارانه بنزین وارداتی (ردیف ۵۰۳۷۴۸)
—	۱۱ تا ۱۰	کسر می‌شود هزینه‌های عملیاتی شرکت نفت و مالیات و ...
۴۷ تا ۴۳	۹ تا ۵	سهم خالص طرفین (با احتساب جمع جبری مالیات و ...)

مأخذ: گزارش دفتر امور زیربنایی (اسفند ۱۳۸۲).

۱. وضعیت پیشنهادی در تبصره «۱۱» لایحه بودجه ۱۳۸۴ بسیار غیرشفاف است و جدول مزبور با توجه به نیت طراحان آن در برنامه چهارم (که حذف شد) ترسیم شده است.

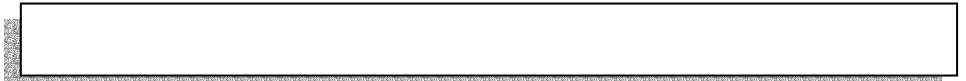
به طوری که ملاحظه می‌شود سهم دولت از بابت فرمول موسوم به بهره مالکانه از ۴۷ درصد وضعیت فعلی در طیفی بین ۴۳ درصد تا ۴۷ درصد در وضعیت پیشنهادی متغیر خواهد بود و برعکس سهم شرکت نفت از حداقل ۱ درصد در طیفی بین ۵ تا ۹ درصد افزایش خواهد داشت.

طبیعتاً در شرایطی که قیمت‌های بازار بین‌المللی نفت کاهش داشته باشند، کاهش درآمدهای سهم دولت، سبب افزایش یارانه‌ها (مابه‌التفاوت هزینه تمام شده و قیمت‌های فروش) خواهد شد و قطعاً سهم خالص دولت از حداقل ۴۳ درصدی وضعیت پیشنهادی هم پایین‌تر خواهد رفت و حال آن‌که شرکت نفت یارانه‌ها را به قیمت تمام شده تولید از دولت دریافت کرده و سهم او تغییر چندانی نخواهد داشت.



نفت و گاز در زمره منابع طبیعی پایان‌پذیر و بین نسلی است و نباید اصل ثروت را هزینه کرد و صحیح‌ترین راه آن است که از محل «بازگشت سرمایه»، هزینه‌ها را انجام داد. باید ارزش ذاتی نفت و گاز به‌عنوان منابع طبیعی پایان‌پذیر برای نسل‌های آینده هم مورد استفاده قرار گیرد و تنها سود حاصل از بازگشت سرمایه باید مصرف و خرج شود.

در روش پیشنهادی موسوم به بهره مالکانه هیچ‌گونه مکانیسمی برای سود حاصل از سرمایه دیده نشده است. پیشنهاد می‌شود با تأسیس صندوقی به نام صندوق پس‌انداز نفت (با صندوق ذخیره ارزی اشتباه نشود) «استفاده از اصل ثروت» به رویه «خرج از محل بازگشت سود سرمایه» تغییر نگرش داده شود.



۱. منتقدان به طرح ثبات قیمت‌ها (یا کاهش نرخ سود بانکی)، همواره با انرژی شدیدی استدلال می‌کنند که با نرخ‌های دستوری نمی‌توان قیمت کالاها یا هزینه‌های مبادله (نظیر نرخ سود بانکی) را کاهش داد. ضمن آن‌که به این سؤال هم پاسخ نمی‌دهند که آیا قیمت کالاها یا نرخ‌های برابری ارز در نظام پولی و بانکی فعلی کشور، آیا براساس تعامل عرضه و تقاضا حاصل شده‌اند یا این‌که این نرخ‌ها نیز براساس مصوبات مراجع ذی‌ربط به‌صورت دستوری و آمرانه (و نه در حد و مرز فعل و انفعال عرضه و تقاضا) تعیین شده‌اند؟

آنچه که محرز است ثبات نرخ ارز یکی از اهرم‌های مهار تورم تلقی می‌شود و در سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز و ثبات آن همیشه ادعا می‌شده است که یکی از ابزارها و اهرم‌هایی که برای مهار نسبی معضل تورم از آن استفاده شده است تثبیت نرخ ارز به‌عنوان یک لنگر بوده است.

۲. در لایحه بودجه سال ۱۳۸۴ نرخ برابری دلار معادل ۹۰۹۵ ریال که نسبت به ارز ۸۳۵۰ ریال مصوبه زمان تصویب بودجه سال ۱۳۸۳ معادل ۸/۹ درصد و نسبت به نرخ روز بازار آزاد زمان تدوین بودجه (۸۷۹۰ ریال) معادل ۳/۵ درصد رشد داده شده است.

مبانی محاسباتی تعیین نرخ برابری به میزان ۹۰۹۵ ریال در حقیقت «افزایش به میزان تفاوت تورم داخلی و خارجی» است که محاسبات زیر مؤید این مطلب می‌باشد. در جدول زیر نحوه مبانی محاسباتی تعیین نرخ افزایش دلار همراه با اطلاعات لازم به دست داده شده است.



	()	()	() ()	()	()		()
					()	()	
۱۳۷۶	۱۷/۳	۹/۷	۱/۸	۷/۶	۱۷۵۲	۳۰۰۷	۴۷۸۱
۱۳۷۷	۱۸/۱	۶/۷	۰/۸	۱۱/۴	۱۷۵۲	۵۳۹۵	۶۴۶۸
۱۳۷۸	۲۰/۱	۷/۲	۰/۶	۱۲/۹	۱۷۵۲	۷۹۰۶	۸۶۵۷
۱۳۷۹	۱۲/۶	۶/۸	۲/۱	۵/۸	۱۷۵۲	۸۰۷۷	۸۱۸۸
۱۳۸۰	۱۱/۴	۶	۱/۵	۵/۴	۱۷۵۲	۷۹۲۱	۸۰۰۸
۱۳۸۱	۱۵/۸	۶/۱	۱/۸	۹/۷	—	۷۹۵۸	۸۰۱۸
۱۳۸۲	۱۵/۶	۶/۳	۱/۹	۹/۳	—	۸۲۸۱	۸۳۲۳
شهریور (۴)۱۳۸۳	۱۵/۷	—	—	—	—	۸۷۳۸	۸۷۷۸
۱۳۸۴	۱۴/۵ برنامه چهارم	—	—	—	—	۹۰۹۵ (۴)	—
سرعت رشد متوسط (۷۶-۸۳)	۱۵/۶	(-۷)	—	۳/۵	—	۱۶/۶	۹/۱

۱. نماگرهای اقتصادی بانک مرکزی در سال‌های ۱۳۸۳ - ۱۳۷۶.

۲. World Economic Outlook 2004 و نیز مجله تحولات اقتصادی کشور، بانک مرکزی ۱۳۸۲.

۳. از سال ۱۳۸۱، نرخ ارز به‌عنوان نرخ بازار بین بانکی به فروش رسیده است.

۴. نرخ رسمی ارز در زمان تنظیم بودجه ۸۷۹۰ ریال بوده است.

به طوری که از جدول مزبور ملاحظه می‌شود نرخ برابری دلار بر مبنای آخرین نرخ روز زمان تدوین بودجه (۸۷۹۰ ریال) با مآخذ ۳/۵ درصد (بر مبنای محاسبات جدول فوق‌الذکر افزایش یافته و به ۹۰۹۵ ریال بالغ شده است).



این در شرایطی است که نرخ ارز رسمی از سال ۱۳۷۶ تاکنون به طور متوسط سالانه ۱۶/۶ درصد رشد داده شده است و حال آنکه رشد سالانه نرخ ارز در بازار آزاد در همین مدت ۵۴ درصد رشد نرخ ارز رسمی و فقط ۹/۱ درصد رشد داشته است.

		()	
-	-	-	-
()	()	()	()
		()	
۳/۱	۹/۱	۳/۵	۱۶/۶

به طوری که ملاحظه می شود سرعت رشد نرخ های بازار آزاد (برای برابری دلار) همواره کمتر از سرعت رشد نرخ ارز رسمی کشور بوده است.

() -	() -	() -
۹/۱	۱۶/۶	۱۵/۶

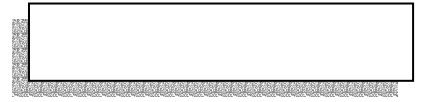
به این ترتیب ملاحظه می شود که سرعت رشد متوسط سالانه برابری دلار در بازار رسمی کشور (۱۶/۶ درصد) بالاتر از سرعت رشد متوسط سالانه نرخ تورم (۱۵/۶ درصد) بوده است و حال آنکه در بازار ارز غیررسمی (موسوم به بازار آزاد) این سرعت رشد سالانه کمتر رشد متوسط سالانه تورم (۹/۱ درصد) بوده است. حال در شرایطی که بانک مرکزی در موارد عیدهای حتی از فروش ارزهای



۸۸۰۰ ریالی در بازارها ناتوان بوده و برخی از برداشت های حساب های ارزی را که مصروف هزینه های جاری بوده، بالا اجبار با استفاده از منابع داخلی به ریال مبدل کرده است چگونه قادر به فروش ارزی با قیمت گران تر ۹۰۹۵ ریال خواهد بود، یکی از تنگناهای پولی و بودجه ای دولت در سال ۱۳۸۴ خواهد بود.^۱

۳. همان طور که اشاره شد ثبات نرخ ارز یکی از اهرم های مهار تورم محسوب می شود و در مورد آثار تورمی ناشی از این افزایش نرخ برابری دلار در بخش آینده (تورم زدایی بودجه سال ۱۳۸۴) بحث خواهد شد.

۱. البته این عقیده نیز وجود دارد که از طرف بانک مرکزی عدم عرضه کل ارزی که قرار است به ریال تبدیل شود به لحاظ احتراز از افزایش عرضه و تنزل نرخ آن و در نتیجه کاهش درآمدهای ارزی برای تأمین نیازهای کسری دولت تلقی می شود.



لایحه بودجه سال ۱۳۸۴ نخستین طلایه سال اول خود در مقطع برنامه چهارم را در حالی شروع کرده است که کسری بودجه (تراز دادوستدهای مالی دولت) در مقایسه با سال قبل خود از یک رشد حیرت‌انگیز ۶۹ درصدی برخوردار است.^۱

(میلیارد ریال)

کسری بودجه	۴۲۰۰۰	۷۱۰۰۰	۶۹
نسبت کسری بودجه به بودجه عمومی دولت	٪۸	٪۱۲/۵	—

و این در شرایطی است که رشد متوسط سالانه کسری بودجه در طی سال‌های ۱۳۷۶-۱۳۸۳ بالغ بر ۲۶ درصد بوده است.

در رابطه با منابع مالی تأمین کسری بودجه که چند قلم عمده آن عبارتند از:

بسیار بعید به نظر می‌رسد که درآمدهای حاصل از فروش اوراق مشارکت به طور کامل محقق شوند، زیرا سود سالانه اوراق مشارکت که با معافیت از مالیات فروخته

۱. البته چنانچه در نظر داشته باشیم عملکرد کسری بودجه سال ۱۳۸۳ را با پیش‌بینی عملکرد کسری بودجه ۱۳۸۴ مقایسه کنیم، این کسری از ۶۹ درصد به ۴۴ درصد تغییر خواهد یافت (برای توضیح بیشتر رجوع کنید به جزء (و) بند «۳»، ص ۳).



می‌شوند بالغ بر ۱۷ درصد است که در بسیاری از موارد، سود حاصله نیز مجدداً اوراق مشارکت داده می‌شوند و حال آن‌که بانک‌های خصوصی به سهولت سود سالانه‌ای بالغ بر ۱۸ درصد را بدون هیچ‌گونه ریسکی (از جانب عدم امکان دولت در ایفای تعهدات خود) پرداخت می‌کنند از این جهت بعید به نظر می‌رسد که ۱۰۰ درصد درآمد حاصل از این اوراق محقق شوند و در نتیجه شکاف کسری بودجه هم‌چنان به صورت وسیع‌تری نمود پیدا خواهد کرد.

. ضمن آن‌که اصولاً اوراق مشارکت ماهیت چندان ضد تورمی هم نداشته، بلکه در عین حال با تعویق‌اندازی آثار نقدینگی، بروز موج‌های تورمی دیگری را در سال‌های بعد موجب خواهد شد. زیرا این ظاهر امر است که با فروش اوراق مشارکت قسمتی از نقدینگی جامعه جمع‌آوری شده است، لکن‌النهاییه در مراحل بعدی، همان نقدینگی به علاوه ۱۷ درصد سود مجدداً وارد چرخه عمل می‌شود.

در عین حال همین اوراق مشارکت باعث اختلال در سیستم سرمایه‌گذاری بخش‌های غیردولتی نیز شده و با توجه به هزینه‌های بالای مبادله در شرایط فعلی سرمایه‌گذاری که لزوم بازدهی‌های بالاتر از ۳۰ درصد را طلب می‌کند و چنین امکانی به ندرت وجود دارد، لذا اجرای طرح‌های مولد سرمایه‌گذاری بخش خصوصی را مختل خواهد نمود.

در تحقق درآمدهای مالیاتی لایحه بودجه سال ۱۳۸۴ تردید جدی وجود دارد زیرا با توجه به این‌که از ۴۱ درصد رشد درآمدهای مالیاتی، بالغ بر ۵۰ درصد آن (۱۸۰۰۰ میلیارد ریال) مرتبط با درآمدهای مالیاتی ناشی از پیش فرض بهره مالکانه (حقوق ویژه و مالیات بر عملکرد شرکت ویژه ۱۵۰۰۰ ریال سود سهام دولت مرتبط با آن)



می‌باشد. از این جهت چنانچه به احتمال قوی، مفاد تبصره «۱۱» در رابطه با بهره مالکانه توسط مجلس شورای اسلامی حذف شود، بی‌تردید شکاف کسری بودجه به مراتب عمیق‌تر از ۷۱۰۰۰ میلیارد ریال فعلی خواهد بود.

در لایحه بودجه سال ۱۳۸۴ میلیارد ریال ۱/۵ میلیارد دلار برای واردات بنزین پیش‌بینی شده است که چنانچه احتمالاً مجلس شورای اسلامی با چنین وارداتی موافقت نداشته باشد، قاعدتاً باز هم کسری بودجه با شکاف عمیق‌تری روبه‌رو خواهد بود.

در خوش‌بینانه‌ترین حالت، پیش‌بینی می‌شود که کسری بودجه به دلایل زیر در سقفی بالاتر از ۷۱,۰۰۰ میلیارد ریالی که پیش‌بینی شده است افزایش یابد.

۱. احتمال حذف بهره مالکانه توسط مجلس شورای اسلامی و عدم تحقق ۱۸,۰۰۰ میلیارد ریال حقوق ویژه و مالیات بر عملکرد شرکت ملی نفت ایران و سود سهام همین شرکت به میزان ۱۵,۰۰۰ میلیارد ریال.^۱

۲. احتمال حذف واردات بنزین از محل حساب ذخیره ارزی توسط مجلس شورای اسلامی به میزان ۱/۵ میلیارد دلار و در نتیجه ۱۴,۰۰۰ میلیارد ریال کسری بودجه بیشتر.

۳. احتمال عدم تحقق ۱۰ درصدی فروش اوراق مشارکت (به لحاظ بالا بودن

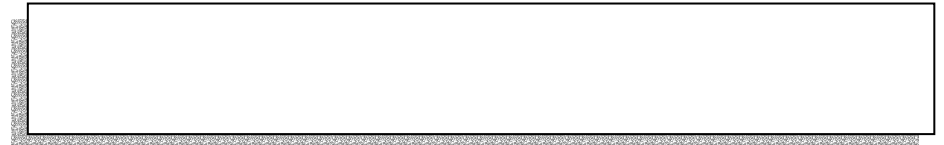
۱. این کسری قطعاً در بودجه عمومی دولت خود را نشان خواهد داد، هر چند که از نظر حسابداری شرکت‌ها ممکن است نوعی جابه‌جایی در منابع تلقی شود که این هم فقط بعد حسابداری داشته و در اصل ماجرا تردید وجود دارد.



سود بانک‌های خصوصی در کف ۱۸ درصد علی‌الحساب نسبت به ۱۷ درصد سود اوراق مشارکت) به میزان ۷۰۰ میلیارد ریال (مابقی نیز اجباراً توسط سازمان‌های بیمه‌گر خریداری خواهد شد).

پیش‌بینی بروز کسری بودجه حداقل به میزان ۴۷۷۰۰۰ میلیارد ریال (علاوه بر ۷۱,۰۰۰ میلیارد ریال کسری بودجه فعلی).^۱

۱. برای توضیح بیشتر به جزء (و) بند «۳» صفحه ۳ و پانویشت ذیل صفحه ۱۵ مراجعه کنید.



کاهش نسبت بودجه کل کشور به G.D.P به میزان ۱۰ درصد در سال پایان برنامه چهارم

۱. مفهوم هدف کمی فوق آن است که نسبت بودجه کل کشور به تولید ناخالص داخلی در سال پایه ۱۳۸۳ باید به طور متوسط سالانه ۲ درصد (و در ۵ سال برنامه جمعاً ۱۰ درصد) در سال پایانی برنامه کاهش یابد.

نگاهی عمیق به ارقام و اعداد جدول زیر به ساده‌ترین وجهی، عدم امکان تحقق این هدف را در لایحه بودجه سال ۱۳۸۴ به عنوان شروع برنامه چهارم آشکار می‌سازد که بودجه کل کشور با احتساب بند «ر» تبصره «۱۱» معادل ۳۰/۵ درصد و بدون احتساب بند «ر» تبصره «۱۱» بالغ بر ۱۵/۴ درصد رشد یافته است.

() (میلیارد ریال)

بودجه کل کشور	۱۷۵۴۵٫۸۵۲	۱٫۱۸۴٫۵۰۶	۳۰/۵
بودجه شرکت‌های دولتی و بانک‌ها و مؤسسات انتفاعی	۱٫۰۵۳٫۳۶۰	۶۸۸٫۹۲۰	۵۲/۹
بودجه شرکت‌های دولتی	۹۵۳٫۶۳۳	۶۱۰٫۳۸۶	۵۶/۲
بودجه شرکت‌های دولتی مشمول طرح ثبات قیمت‌ها	۵۹۲٫۹۳۵	۳۵۹٫۴۴۶	۶۴/۹

مأخذ: قانون بودجه سال ۱۳۸۳ و لایحه بودجه ۱۳۸۴.



()

(میلیارد ریال)

انتقاعی	۸۵۹٫۳۵۳	۶۸۸٫۹۲۰	۲۴/۷
بودجه شرکت‌های دولتی و بانک‌ها و مؤسسات انتقاعی	۷۵۹٫۷۲۶	۶۱۰٫۳۸۶	۲۴/۴
بودجه شرکت‌های دولتی	۳۹۸٫۹۳۵	۳۵۹٫۴۴۶	۱۱/۰
بودجه شرکت‌های دولتی مشمول طرح ثبات قیمت‌ها			

۲. اطلاعات این جداول رشد خارج از قاعده شرکت‌های دولتی را به خوبی نشان می‌دهد که چگونه شرکت‌های دولتی و به‌ویژه شرکت‌های دولتی مشمول ۹ قلم کالاهای طرح ثبات قیمت‌ها^۱ از رشدهای حیرت‌انگیز ۵۰ درصد به بالا (با احتساب نفت و گاز) و نیز رشدهای بالغ بر ۲۴ درصد و ۱۱ درصد (بدون احتساب نفت و گاز) برخوردار شده‌اند.

واقعیت این امر آن است که حتی اگر ادعای منتقدان طرح ثبات قیمت‌ها را نیز بپذیریم قاعدتاً نباید با چنین نرخ‌های رشدی مواجه باشیم.

در حقیقت ادعای عدم‌النفع آن‌ها از طرح مهارت‌ورم حداکثر باید منتهی به یک کاهش ۸ درصدی^۲ در هزینه‌های غیرتولیدی آن‌ها می‌شد، اما رشد ۱۱ درصدی شرکت‌های مشمول طرح ثبات قیمت‌ها و نیز عدم کاهش ۸/۳ درصدی عدم‌النفع مورد

۱. کالاهای مزبور عبارتند از: بنزین، نفت سفید، نفت گاز، نفت کوره و سایر فرآورده‌های نفتی، برق، آب، گاز شهری، فاضلاب، تلفن و مرسولات پستی.

۲. رجوع کنید به: پاسخ کارشناسان به منتقدان طرح مهارت‌ورم، مرکز پژوهش‌ها، دفتر بررسی‌های اقتصادی، سال



ادعا برای توازن درآمدها در حقیقت به معنای یک رشد ۱۹/۳ درصدی باید تلقی شود. ۳. با چنین رشد و حجیم شدن اندازه دولت در اقتصاد، چگونه می‌توان در جهت تأمین هدف برنامه یعنی کاهش ۱۰ درصدی نسبت بودجه کل کشور به تولید ناخالص داخلی در پایان برنامه (کاهش سالانه‌ای به طور متوسط ۲ درصد) لباس تحقق پوشانید.^۱ با نگاهی به جدول زیر امکان‌سنجی نیل به این هدف در جهت کوچک‌سازی دولت به خوبی آشکار می‌شود.

۲ (ارقام به درصد)

-	-	
۲۲	۲۵	بودجه کل کشور
۳۰	۲۶	بودجه شرکت‌های دولتی
۳۷	۲۱	بودجه عمومی دولت

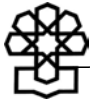
به طوری که ملاحظه می‌شود در برنامه دوم توسعه، سرعت‌های رشد متوسط سالانه که در دامنه‌های بین ۲۱ تا ۲۶ درصد قرار داشته‌اند، در برنامه سوم شاکله‌های

۱. نسبت بودجه کل کشور از ۸۲/۳٪ در سال ۱۳۸۳ به ۷۷/۳٪ در سال ۱۳۸۴ (شروع برنامه چهارم) رسیده است. معنای این امر آن است که هدف برنامه چهارم قرار است با کاهش ۱۰ درصد تا پایان برنامه چهارم، میزان این نسبت ۱۰ درصد پایین‌تر از سال پایه (یعنی ۶۷/۳٪) باشد.
۲. سرعت رشد متوسط سالانه از فرمول زیر حاصل می‌شود:

$$r = \left(\frac{1}{n-1} \sqrt{\frac{pt}{p^o}} - 1 \right) \times 100$$

* محاسبات بعد از استخراج ارقام بودجه‌های سالانه.

* در برنامه سوم و در رشد بودجه‌ها، مورد مربوط به یکسان‌سازی نرخ ارز را هم باید در نظر داشت.



بودجه‌های سالانه در مرزهای بین ۳۰ تا ۳۷ درصد رشد داشته‌اند. و به همین ترتیب سرعت بالای رشد بودجه که حاکی از افزایش سهم دولت از تولید ناخالص داخلی می‌باشد، موجب گسترش سیطره و قبضه کردن درصد بالای فعالیت‌های اقتصادی گردیده و علی‌رغم اقداماتی که در جهت خصوصی‌سازی (خصوصی‌سازی‌هایی که هنوز در قبضه مدیریت‌های دولتی است و قدرت تخصیص منابع و تصمیم‌گیری هنوز با این بخش است) صورت گرفته، مع‌الوصف کاهش‌ی در حجم و اندازه دولت صورت نگرفته است و نسبت بودجه کل کشور به تولید ناخالص داخلی با توجه به جدول زیر درصد بالایی است:

()	()	()	(-)	(-)
۶۷/۳٪	۷۷/۳٪	۸۲/۳٪	۷۰/۱٪	۶۷/۲٪

همان‌طور که اشاره شد هدف برنامه چهارم این بوده است که نسبت بودجه کل کشور در پایان برنامه چهارم ۱۰ درصد (سالی ۲ درصد) کمتر از همین نسبت در سال پایه (۱۳۸۳) باشد. به عبارت دیگر در پایان برنامه چهارم نسبت B به GDP باید ۱۰ درصد کمتر از سال پایه (۷۷/۳٪) و در مرز ۶۷/۳ درصد باشد، که تحقق این امر بعید به نظر می‌رسد.

در این میان سهم شرکت‌های دولتی (که باید در تیررس هدفگذاری‌های کوچک‌سازی و توانمندسازی دولت باشد) مداوماً افزایش می‌یابد.



۵۸/۱	۶۶/۸	+۸/۷

این دو عدد نشانگر آن است که در سال ۱۳۸۴ سهم بودجه کل شرکت‌های دولتی در مقایسه با سال ۱۳۸۳، علی‌رغم کل فعالیت‌های انجام شده برای خصوصی‌سازی و همچنین تأسیس چهار شرکت دولتی جدید در جمع جبری خود تازه ۸/۷ درصد هم رشد کرده است.

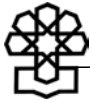
۴. نکته قابل توجه آن است که حجم هزینه‌های سرمایه‌ای شرکت‌های دولتی در مقایسه با بودجه آن‌ها از سال ۱۳۸۱ تاکنون سیر نزولی داشته است.

(میلیارد ریال)

()			
۳۴	۱۰۲۱۲۱	۳۰۰۴۲۶	۱۳۸۰
۳۸	۱۶۶۸۴۱	۴۳۵۹۱۵	۱۳۸۱
۳۷	۲۰۷۰۱۱	۵۵۴۳۳۷	۱۳۸۲
۳۳/۶	۲۳۲۰۰۰	۶۸۸۹۲۰	۱۳۸۳
۳۰	۲۶۵۰۰۰	۸۵۹۳۵۳	۱۳۸۴

مأخذ: قوانین بودجه سال‌های مختلف (۱۳۸۰-۱۳۸۲) و لایحه بودجه ۱۳۸۴.

اطلاعات جدول مزبور مؤید آن است که علی‌رغم رشد متوسط سالانه ۲۵ درصدی بودجه شرکت‌های دولتی (بدون احتساب نفت و گاز) هزینه‌های سرمایه‌ای از سرعت رشد کم‌تری معادل ۱۶ درصد برخوردار بوده و در تحلیل نهایی سهم هزینه‌های سرمایه‌ای نسبت به حجم بودجه آن‌ها در دوره ۱۳۸۱-۱۳۸۴ سالانه به



طور متوسط ۷/۵ درصد کاهش داشته و به طوری که ملاحظه می‌شود سهم هزینه‌های سرمایه‌ای از ۲۸ درصد در سال ۱۳۸۱ به ۳۰ درصد در سال ۱۳۸۴ تنزل یافته است.

۵. سرانجام باید این واقعیت را بپذیریم تا زمانی که نظام بودجه‌ریزی کشور براساس (هزینه - درآمد) و نه (درآمد - هزینه) طراحی می‌شود این نوع بودجه‌های غیرواقعی و غلوآمیز نیز به مجلس ارائه خواهد شد. بودجه‌هایی که هیچ‌گاه ارقام درآمدی شرکت‌ها و همچنین میزان مالیات و سود سهامی که برای واریز به خزانه پیش‌بینی کرده‌اند واقعی نبوده است.

لذا پیش‌بینی تحقق درآمدهای شرکت‌های دولتی بسیار خوشبینانه خواهد بود. جدول زیر مؤید این مطلب می‌باشد.

(میلیارد ریال)

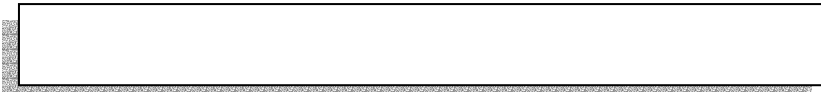
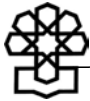
مالیات شرکت‌ها ^۱	۵۹۶۴	۲۲۶۸۶	۳/۸ برابر	۳۶۹۰	۲۰۱۶۸	۵/۴ برابر
سود سهام شرکت‌ها	۷۷۹۵	۲۱۲۶۰	۲/۷ برابر	۲۶۳۷	۱۸۷۰۹	۷ برابر

مأخذ: قانون بودجه سال ۱۳۸۳ و لایحه بودجه سال ۱۳۸۴ (با احتساب بند «ر» تبصره «۱۱»).

۱. برای رفع هرگونه شبهه در مورد مالیات‌ها و سود سهام ارقام مربوط به بانک‌ها و مؤسسات غیرانتفاعی دولت در این محاسبه حذف شده‌اند.



۱. احیا مجدد بهره مالکانه در تبصره «۱۱» لایحه در بودجه ۱۳۸۴ علی‌رغم حذف ماده (۳) سابق قانون برنامه چهارم.
۲. چگونه می‌توان در نظام بودجه‌ریزی ایران مالیات شرکت‌ها برای واریز به خزانه با رشدهای ۳/۸ برابر و برای واریز سود سهام دولت با رشد ۲/۷ برابر روبه‌رو شده باشد! امری که در تاریخ بودجه‌ریزی ایران بی‌سابقه است؟
۳. بنابراین افزایش کل درآمدهای مالیاتی بودجه از ۸۹۰۰۰ میلیارد ریال سال ۱۳۸۳ به ۱۲۵۰۰۰ میلیارد ریال سال ۱۳۸۴ (با یک افزایش ۴۰ درصدی) نباید به معنای تلاش نظام مالیاتی کشور برای استفاده بهینه از ظرفیت بالقوه مالیاتی کشور و در حقیقت بزرگ کردن تور مالیاتی تلقی شود بلکه ۵۰ درصد از ۴۰ درصد مزبور (بالغ بر ۱۸۰۰۰ میلیارد ریال می‌باشد) صرفاً متعلق به تشکیلات نفتی کشور در رابطه با موضوع بهره مالکانه است.



(« »)

استفاده از وجوه حساب ذخیره ارزی برای تأمین مصارف بودجه عمومی دولت صرفاً در صورت کاهش عواید ارزی حاصل از نفت نسبت به ارقام این قانون..... مجاز خواهد بود. استفاده از حساب ذخیره ارزی برای تأمین کسری ناشی از عواید غیرنفتی بودجه، ممنوع است.

بودجه سال ۱۳۸۴ در حالی نخستین سال شروع خود از دوران پنج‌ساله برنامه چهارم را آغاز می‌کند که قرار است حداقل درصدی از وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی را که تداوم سال‌های گذشته تاکنون بوده است، کاهش دهد تا اولین طلیعه سال جدید برنامه چهارم را به منظور اجرای حکم بند «ج» ماده (۱) برنامه چهارم شروع نماید.

افزایش وابستگی بودجه به درآمدهای نفتی را در سال ۱۳۸۴ می‌توان این‌طور توضیح داد.

(میلیارد دلار)

میزان درآمدهای نفتی که طبق بودجه به خزانه دولت واریز خواهد شد	۱۶/۱	۱۴/۱	-۲



صورت ظاهر مسأله این است که در سال ۱۳۸۴ میزان ۲ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی که بالغ بر ۱۲/۴ درصد می‌باشد کم‌تر از سال ۱۳۸۳، درآمدهای نفتی به خزانه دولت واریز خواهد شد. البته صورت حقیقی مسأله آن روی سکه است که:

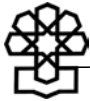
۱. کاهش ۲ میلیارد دلار از درآمدهای نفتی به لحاظ رویکرد خاصی است.

که در تبصره (۱۱) لایحه بودجه به نحوی از انحاء مقوله بهره مالکانه موضوع ماده (۳) لایحه برنامه چهارم را (که در مجلس هفتم به تصویب نرسید) احیا کرده است و به این ترتیب سهم شرکت ملی نفت از کل ارزش نفت خام تولیدی به لحاظ حسابداری یارانه‌های فراورده‌های نفتی تغییر خواهد کرد. ضمن آن‌که بعداً با صدور نفت و فروش آن از طریق معاوضه با بنزین اقدام خواهد کرد.

۲. از جانب دیگر در تراز دادوستد واگذاری دارایی‌های مالی که در نهایت نشان‌دهنده کسری بودجه دولت است، برداشت از حساب ذخیره ارزی از ۴۹۴۰۰ میلیارد ریال سال ۱۳۸۳ به ۷۰۰۰۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۴ یعنی با ۴۲ درصد افزایش روبه‌رو شده است.

به عبارت بهتر واریز ریالی درآمدهای نفتی به خزانه در سال ۱۳۸۴ در مقایسه با ۱۳۸۳ براساس جدول ۱۳ معادل (۴٪-) کاهش و در مقابل برداشت از حساب موجودی ذخیره ارزی سال ۱۳۸۴ نسبت به ۱۳۸۳ با (۴۲٪+) افزایش و در سرجمع تحلیل نهایی وابستگی بودجه ۱۳۸۴ به درآمدهای نفتی در مقایسه با سال ۱۳۸۳ معادل (۸٪+) افزایش یافته است.

جدول زیر به شفافیت، موضوع وابستگی بیش‌تر به شرح فوق را نشان می‌دهد.



(میلیارد ریال)

درآمدهای نفتی واریز به خزانه	۱۳۴٫۴۳۵	۱۲۸٫۴۹۲	- ۴٪
برداشت از حساب ذخیره ارزی	۴۹٫۴۰۰	۷۰٫۰۰۰	+ ۴۲٪
			+ %

با توجه به مراتب فوق:

الف) افزایش ۴۲ درصدی برداشت از حساب ذخیره ارزی (ریالی) به شرح جدول فوق،

ب) افزایش ۳۱ درصدی همین برداشت (به‌صورت دلاری) از ۵/۹ میلیارد دلار مصوب سال ۱۳۸۳ به ۷/۷ میلیارد دلار بودجه سال ۱۳۸۴ و نیز نحوه مبدل کردن آن به ریال و چگونگی مصرف آن موضوعی است که ادعای نظریه برآورد نرخ تورم ۱۴/۵٪ سال اول برنامه چهارم را در سال ۱۳۸۴ با تردید مواجه می‌سازد.

باید عنایت داشت که نرخ ارز در لایحه بودجه سال ۱۳۸۴ معادل ۹۰۹۵ ریال محاسبه شده که در مقایسه با نرخ دلار مورد محاسبه در زمان تصویب بودجه ۱۳۸۳ که معادل ۸۳۵۰ ریال در نظر گرفته شده بود بالغ بر ۸/۹ درصد یا نرخ روز زمان تنظیم بودجه ۸۷۹۰ ریال حدود ۳/۵ درصد افزایش نشان می‌دهد.

در خصوص آثار این امر در بخش‌های بعدی، بحث خواهد شد.



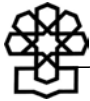
« » () « » ()

تأمین کسری بودجه از طریق استقراض از بانک مرکزی و سیستم بانکی ممنوع می‌باشد ... دولت مکلف است بدهی خود به بانک مرکزی و بانک‌ها را طی سال‌های برنامه چهارم ... کاهش دهد.

۱. براساس این حکم دولت موظف است لایحه بودجه‌های سالانه کل کشور را به نحوی تنظیم کند که کسری بودجه از طریق استقراض از بانک مرکزی یا سیستم بانکی تأمین نگردد.

تمرکز بحث در این بخش عمدتاً در مورد بنگاه‌ها و شرکت‌های دولتی است که اصولاً نظام بانکی کشور را یک قلق خود تلقی کرده‌اند که هرگاه اراده کردند می‌توانند با گشاده‌دستی از قلق مزبور که انگاری مربوط به حوزه شخصی و قلمرو آن‌ها است بهره‌برداری کنند.

این یک واقعیت است که بانک و بانکداری در زمره آن دسته از نهادهای مالی هستند که چنانچه در اقتصاد یک کشور در قبضه و سیطره دولت قرار داشته باشند و نهادهای دولتی بتوانند به صورت انحصاری، با اختیار تام و فعال مایشاء از این قبیل نهادهای مالی به‌عنوان اهرم‌های ناکارآمدی خویش استفاده نموده و سیاست‌های خود را به آن‌ها تحمیل کند، قطعاً بی‌ثمر شده و نمی‌توانند در جهت به حداکثر رسانیدن سود و افزایش بازده نهایی، تولید، اشتغال و سرمایه‌گذاری حرکت کنند و به این ترتیب مدیریت بانک، نه یک مدیریت استراتژیک، بلکه یک مدیریت وکالتی است که وکیل دولت برای مقاصد و رویه‌های تکلیفی است و سرانجام بانک به‌عنوان نهادی ابزاری به‌منظور همپوشانی ناتوانی‌های نظام بودجه‌بندی دولتی برای تأمین هزینه‌های



دولت متجلی می‌شود. این نوع بانکداری سبب می‌شود که بانک‌ها به‌عنوان بنگاه‌های بزرگ اقتصادی نتوانند در برنامه‌ریزی‌های میان‌مدت و بلندمدت اقدام کرده و افق‌های جسورانه‌تر و دور بُردتری را هدف‌گیری نمایند. زیرا که مبالغ متنابهی از اعتبارات بانکی در حیطه اختیار آنان نیست تا در مورد آن برنامه‌ریزی نمایند.

یکی از نکات کلیدی قابل ذکر آن است که بانک‌ها براساس، سیستم‌های حسابداری خود، قاعدتاً این بدهی را لاوصول تلقی نمی‌کنند و لذا وضعیت به‌گونه‌ای می‌شود که توانایی سیستم بانکی خیلی بیش‌تر از آنچه که هست در ترازنامه‌های بانکی جلوه‌گر می‌شود و از این جهت در نظام حسابداری باید برای آن حساب ذخیره منظور نماید و حال آن‌که چون مطالبات معوق تلقی می‌کند، حساب ذخیره‌ای برای آن در نظر نمی‌گیرد. ضمن آن‌که توانایی اعتباری و اعتباردهی بانک‌ها تنزل می‌کند.

۲. حسابرسی‌های انجام شده در طول سال‌های ۱۳۷۵-۱۳۸۱ مؤید آن است که کل سپرده‌های دولت نزد سیستم بانکی به تفاوت در حدود ۱/۱ درصد تا ۴ درصد از کل سپرده‌ها بوده است و حال آن‌که متوسط سالانه استفاده دولت از تسهیلات نظام بانکی تا ۲۰ درصد هم بالغ شده است. به‌عنوان مثال در سال ۱۳۸۱ در حالی که دولت تنها ۱۶۰۰۰ میلیارد ریال از مجموع ۳۹۵۰۰۰ میلیارد ریال کل سپرده‌ها را دارا بوده است (چیزی حدود ۴ درصد) مع‌الوصف در همین سال از کل سپرده‌های ۳۹۵۰۰۰ میلیارد ریالی بالغ بر ۶۰۰۰ میلیارد ریال آن را که معادل ۱۵/۲ درصد یا ۳/۷۵ برابر سپرده‌های خودش بوده است از تسهیلات بانکی استفاده نموده است.

۳. با عنایت به این‌که یکی از راه‌های امکان تأمین منابع مالی برای پرداخت بدهی دولت یا شرکت‌های دولتی، به بانک‌ها، درآمد حاصل از واگذاری شرکت‌های دولتی است که این درآمد از ۲۳۰۰۰ میلیارد ریال سال ۱۳۸۳ به ۱۵۰۰۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۴ (یا ۳۵ درصد کاهش) تنزل یافته است، معلوم نیست بودجه سال ۱۳۸۴ چگونه می‌خواهد احکام برنامه چهارم را در نخستین سال شروع خود در مورد بدهی



بانکها اجرا نماید. لذا با شروع سال ۱۳۸۴، تحقق بخشی از این هدف برنامه در بودجه ۱۳۸۴ امکان پذیر نخواهد بود.

۴. کاهش بدهی دولت به سیستم بانکی و اصولاً کاهش درجه استفاده از تسهیلات بانکی، یکی از راهکارهای نزولی کردن نرخ تورم است.

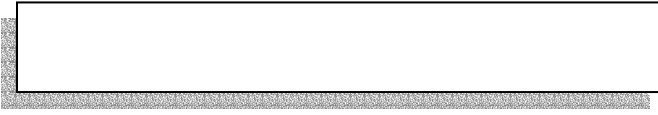
۵. در لایحه بودجه سال ۱۳۸۴ بالغ بر ۴۲۰۰۰ میلیارد ریال استفاده از تسهیلات بانکی و وام‌های داخلی همچنان مثل سال‌های گذشته برای شرکت‌های دولتی پیش‌بینی شده است.

(میلیارد ریال)

کل سپرده‌های بخش غیردولتی	۴۸۷۸۶۴	۸۵
کل سپرده‌های دولت	۷۸۶۱۹	۱۳/۷
کل سپرده‌های شرکت‌های دولتی	۶۹۳۸	۱/۳
جمع سپرده‌ها	۵۷۳۴۲۱	۱۰۰

مأخذ: نماگرهای اقتصادی - بانک مرکزی - شهریور ۱۳۸۳.

به طوری که از جدول فوق‌الذکر ملاحظه می‌شود، کل سپرده‌های شرکت‌های دولتی نزد سیستم بانکی ۱/۳ درصد از مجموع کل سپرده‌ها است و حال آن‌که در سال ۱۳۸۴ به سهولت ۴۲۰۰۰ میلیارد ریال که ۶۰۰ درصد یا ۶ برابر سپرده‌های همین شرکت‌ها است از تسهیلات بانکی استفاده خواهند کرد و به این ترتیب تعرض بهره‌مندی از این سیستم بانکی همچنان تداوم داشته و مکانیسمی برای شروع تحقق هدف برنامه چهارم پیش‌بینی نشده است.



۱. کاهش نسبت ۲۰ درصد بالا به ۲۰ درصد پایین خانوارها از ۱۰ درصد به ۵/۵ درصد در سال پایان برنامه،
۲. افزایش بهره‌وری نیروی کار با رشد متوسط سالانه ۱ درصد.

در شرایطی برنامه چهارم در نظر دارد نسبت ۲۰ درصد بالا به ۲۰ درصد پایین خانوارها را از ۱۰ درصد به ۵/۵ درصد در سال پایان برنامه (حداقل سالی ۱ درصد) کاهش دهد، که بر عکس این هدف دارندگان درآمدهای ثابت علی‌رغم پیامدهای تورمی حداقل ۳/۴ درصد و بالاتر تا ۹ درصد با یک کاهش قدرت خرید نیز مواجه خواهد شد. به عبارت دیگر در حالتی که هدف کمی برنامه چهارم نرخ تورم را ۱۴/۶ درصد تعیین کرده است مع الوصف با عنایت به رشد ۸/۵ درصدی حقوق و دستمزد در بخش بودجه عمومی دولت، بروز ۶ درصد کاهش قدرت خرید قطعی خواهد بود.

میزان این کاهش قدرت خرید حداقل ۴۵۰۰۰ میلیارد ریال خواهد بود که قطعاً در نزول بهره‌وری (به خصوص بهره‌وری نیروی کار) مؤثر بوده و به عبارت بهتر کاهش قدرت خرید یکی از عوامل مؤثر در کاهش بهره‌وری نیروی کار و ملاً کاهش بهره‌وری کل عوامل تولید بوده و این در شرایطی است که در برنامه چهارم مقرر است که بهره‌وری نیروی کار سالانه ۳/۵ درصد و بهره‌وری سرمایه ۱ درصد و بهره‌وری کل عوامل ۲/۵ درصد از ۸ درصد رشد تولید ناخالص داخلی را تأمین نماید. قطعاً کاهش قدرت خرید کارکنان که سلب کننده انگیزه‌های کارایی می‌باشد در نزولی شدن هدف کمی بهره‌وری نیروی کار بسیار تأثیرگذار خواهد بود.



۱. پیش‌بینی نرخ تورم در سال ۱۳۸۴ معادل (۱۴/۶ درصد) ($100 = 1381$),
 ۲. پیش‌بینی رشد نقدینگی از ۶۵۷۰۰۰ میلیارد ریال به ۸۱۴۰۰۰ میلیارد ریال (۲۴ درصد).

هرچند در برنامه چهارم، هدف کمی پیش‌بینی نرخ تورم در سال ۱۳۸۴ معادل ۱۴/۶ درصد و رشد نقدینگی نیز ۲۴ درصد پیش‌بینی شده است، مع‌الوصف با توجه به دلایل زیر که در بخش‌های قبلی نیز توضیح داده شد، قاعدتاً نرخ‌های رشد نقدینگی و تورم به مراتب بالاتر از اهداف کمی پیش‌بینی شده خواهد بود، این دلایل عبارتند از:

قیمت ارز از ۸۷۹۰ ریال به ۹۰۹۵ ریال (با ۳/۵ درصد) افزایش داده شده است. آثار این تصمیم که برای مقابله با کاهش درآمدهای بودجه‌ای (به جای مدیریت هزینه‌ها) اتخاذ شده است سبب بروز عوارض منفی ذیل خواهد شد:

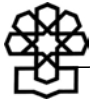
۱. افزایش قیمت کالاهای وارداتی،

۲. افزایش هزینه‌های تمام شده کالاهای تولیدی،

۳. کاهش عرضه (یا در حالت خوشبینانه ثابت ماندن عرضه)،

۴. گران شدن آن دسته از کالاهای صادراتی که تولید و صدور کالاهای آن‌ها نیازمند به‌کارگیری مواد اولیه یا واسطه‌ای یا کالاهای سرمایه‌ای کالاهای وارداتی است. (ضمن آن‌که سایر صادرکنندگانی که صدور کالاهای آن‌ها با کالاهای وارداتی مرتبط نیست از این افزایش نرخ منتفع خواهند شد)،

۵. افزایش نرخ ارز در بازارهای آزاد به مبالغی بالاتر از نرخ ۹۰۹۵ ریالی دولت،



۶. کاهش بیش‌تر ارزش پولی ملی،

۷. در نهایت افزایش تورم و بروز انتظارات تورمی علاوه بر تورم موجود.

به احتمال قوی تبصره «۱۱» در مقوله بهره مالکانه در مجلس شورای اسلامی حذف خواهد شد اگر چنین احتمالی به واقعیت پیوندد ۱۸۰۰۰ میلیارد ریال عدم تحقق درآمدهای مالیاتی به کسر بودجه پیش‌بینی شده اضافه خواهد شد.

در این حالت ۱۵۰۰۰ میلیارد ریال نیز از منابع درآمدی دولت در ارتباط با سود سهام ناشی از پیش‌فرض بهره مالکانه کاهش خواهد یافت.

با توجه به توضیحاتی که در این خصوص در مبحث کسری بودجه اشاره شد در خوشبینانه‌ترین حالت فروش اوراق مشارکت با ۱۰ درصد کاهش (به میزان ۷۰۰ میلیارد ریال) روبه‌رو خواهد شد.

در این مورد نیز ۱/۵ میلیارد دلار که از محل حساب ذخیره ارزی برای واردات بنزین پیش‌بینی شده است با احتمال حذف آن توسط مجلس معادل ریالی ۱۴۰۰۰ میلیارد ریال کسری بودجه را افزایش خواهد داد.

/

برداشت از حساب ذخیره ارزی از ۵/۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۳ به ۷/۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۴ (با رشد ۳۰/۵ درصد) افزایش یافته است. حتی اگر فرض شود که



از ۷/۷ میلیارد دلار مزبور فقط یک میلیارد دلار آن با استفاده از منابع داخلی بانک مرکزی و تبدیل آن به ریال، اجتناب‌ناپذیر باشد. قطعاً با احتساب نرخ ارز ۹۰۹۵ ریالی معادل ۹۰۰۰ میلیارد ریال وارد حجم نقدینگی موجود خواهد شد که در محاسبه نرخ تورم‌زائی بودجه ۱۳۸۴ باید مورد محاسبه قرار گیرد.

(با توجه به دلایل فوق جمع مبالغ ردیف‌های ۲، ۳، ۴، ۵ سبب می‌شود تا ۴۷۷۰۰ میلیارد ریال کسر بودجه‌ای با احتمال بالاتر از ۹۰ درصد را علاوه بر کسری بودجه ۷۱۰۰۰ میلیارد ریالی لایحه بودجه ۱۳۸۴ پدید آورد.

کسری بودجه ۴۷۷۰۰ میلیارد ریالی اضافی در چرخه نهایی با استفاده از منابع بانکی به معنای آن است که ۵/۸ درصد به افزایش حجم نقدینگی کمک می‌کند و به این ترتیب / تورم (علاوه بر تورم موجود) اضافه خواهد کرد.

(از طرف دیگر برداشت فقط یک میلیارد دلار (از مجموع ۷/۷ میلیارد دلاری پیش‌بینی شده) که منجر به استفاده از منابع داخلی بانک مرکزی شود یعنی بانک مرکزی نتواند کل ۷/۷ میلیارد دلار را (در صورتی که برای واردات کالا نباشد) به هر دلیل به فروش برساند و فقط جزء کمی از آن یعنی یک میلیارد دلار را با استفاده از منابع بانکی به ریال تبدیل نماید، افزایش نرخ تورم از پیامدهای بعدی آن خواهد بود.

(به این ترتیب لایحه بودجه سال ۱۳۸۴ چنان‌چه با توجه به فعل و انفعال‌های فوق‌الذکر تصویب شود قطعاً دارای عوارض و تبعات منفی یک تورم ۳/۴ درصدی خواهد بود.

(باید به خاطر داشته باشیم که تورم ناشی از افزایش ۳/۵ درصدی قیمت ارز و نیز تورم ناشی از برداشت از حساب ذخیره ارزی در این محاسبه وارد نشده است.^۱

۱. به‌عنوان مثال هریک میلیارد دلار برداشت از حساب ذخیره ارز در صورتی که با استفاده از منابع داخلی بانک مرکزی به ریال تبدیل شود و برای هزینه‌های جاری مصروف گردد، حداقل ۴ درصد تورم‌زایی خواهد داشت.



:

: درباره لایحه بودجه سال ۱۳۸۴ کل کشور (۳۰) حوزه‌های چالش‌برانگیز

: مطالعات اقتصادی

: بهروز تصدیقی

: دکتر سیدمحمدرضا سیدنورانی

: کمیسیون اقتصادی

: غلامرضا افشاری

_____:

:

۱. لایحه بودجه ۱۳۸۴ (Budget Bill 1384)

۲. حوزه‌های چالش‌برانگیز (Challenge Generated Areas)

:

قوانین بودجه سنوات مختلف.